

دیه جابجایی استخوان با رویکرد به نقد ماده ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی

دکتر محمدجواد محمدی

دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی، سطح ۴ حوزه علمیه قم

مدرس سطوح عالی و پژوهشگر مرکز پژوهشی موسسه عالی فقه و علوم اسلامی

چکیده

یکی از صدمات متداول در حوادث، شکستگی استخوان است. شکستگی استخوان به معنای عام آن به شکل‌های مختلفی قابل وقوع است. جابجایی استخوان یکی از انواع شکستگی است که در آن استخوان‌های شکسته از موضع خود جابجا شده و برای درمان شکستگی و التیام، لازم است ابتدا استخوان‌ها به جای خود بازگردانده شود. در احادیث متعدد برای جابجایی استخوان میزان خاصی از دیه تعیین شده است. در عین حال در کتاب دیات قانون مجازات اسلامی هیچ اشاره‌ای به این صدمه و میزان دیه آن نشده است. در پاره‌ای از موارد نیز دیه جابجایی استخوان به اشتباه ذیل دیه دررفتگی مفصل استخوان درج شده است. این مقاله با هدف کشف ضابطه شرعی در تعیین میزان دیه جابجایی استخوان (نقل العظم) و با رویکرد به تحلیل و نقد مواد مرتبط با صدمات استخوانی (مواد ۵۶۹ تا ۵۷۵) قانون مجازات اسلامی، به مطالعه‌ی متون روایی و فقهی پرداخته است. یافته‌های این پژوهش حاکی از این است که بر اساس متون روایی معتبر، «میزان دیه جابجایی استخوان - جز در موارد استثناء - به شکل ضابطه مند نصف دیه شکستگی عضو است که این میزان به دیه شکستگی عضو افزوده می‌شود.» از این مناسب است ماده جدیدی مطابق قاعده مذکور تاسیس شده و موارد استثناء نیز در تبصره بیان گردد.

واژگان کلیدی: جابجایی استخوان، نقل العظم، منقله، دیه، دررفتگی استخوان.

مقدمه

یکی از آسیب های شایع در صدمات استخوانی، شکستگی استخوان است. شکستگی استخوان به دنبال وارد شدن نیروی بیش از حد قابل تحمل به استخوان اتفاق می افتد و به شکل های متفاوتی بروز پیدا می کند. گاهی شکستگی به قدری شدید است سبب خردشدن و تبدیل استخوان به ذرات متعدد کوچک می شود. گاهی نیز ضربه به حدی است که سبب شود استخوان به دو و یا حتی چند قطعه جدا از هم تبدیل شود و احیاناً سبب جابجایی استخوان های شکسته شده می شود. در این صورت برای التیام شکستگی لازم است ابتدا استخوان های شکسته را ابتدا به موضع نخست خود برگردانده و سپس مدتی بی حرکت نگاه داشته شود تا به اصطلاح جوش بخورد. گاهی نیز شدت ضربه کمتر بوده و شکستگی بدون جابجایی استخوان اتفاق می افتد، مثلاً ممکن است تنها یک ترک مویی در استخوان حادث شود.^۱

در احادیث متعدد برای جابجایی استخوان، میزان خاصی از دیه تعیین شده است. در متون فقهی نسبت به میزان دیه اختلاف نظر وجود دارد. برخی از فقهاء - تفصیل نظرات در بحث آراء فقهی بیان خواهد شد- در اینجا متعرض قاعده کلی شده اند. در عین حال درباره مضمون قاعده و میزان دیه اتفاق نظر وجود نداشته و دو نظر کلی دیده می شود. برخی نیز اشاره به قاعده کلی نداشته و تنها به دیه جابجایی استخوان در برخی اعضای خاص اشاره کرده اند.

قانون مجازات اسلامی نیز با وجود آنکه در فصل دوم از بخش دوم کتاب دیات به قواعد عمومی دیه اعضاء پرداخته است، اما هیچ اشاره ای به این صدمه و میزان دیه آن نکرده است. در مقالات و پژوهش های منتشر شده نیز اثری پیرامون این موضوع یافت نشد. هرچند در رابطه با اصل قاعده شکستگی و نقد آن، همچنین صدمه در رفتگی استخوان از مفصل مقالاتی نگاشته شده است،^۲ اما در این مقالات هیچ گونه اشاره ای به صدمه جابجایی استخوان بر اثر شکستگی و دیه آن نشده است. از این رو شاید نزدیک ترین مقاله به موضوع یاد شده مقاله «مطالعه تطبیقی دیه در رفتگی استخوان در فقه و حقوق موضوعه»^۳ و به نظر می رسد این تحقیق، نخستین پژوهش پیرامون موضوع یاد شده باشد. در متون فقهی فقیهان امامی نیز تنها به صورت موردی و جزئی در برخی اعضاء به تبعیت از فقرات روایت ظریف اشاره به میزان دیه شده است. اما پیرامون مفهوم شناسی و ماهیت آسیب و حکم کلی مسأله در قالب قاعده فقهی دیده نمی شود.

این مقاله با هدف کشف ضابطه شرعی در تعیین میزان دیه جابجایی استخوان (نقل العظم) و با رویکرد به تحلیل و نقد مواد مرتبط با صدمات استخوانی (مواد ۵۶۹ تا ۵۷۵) قانون مجازات اسلامی، به مطالعه متون روایی و فقهی می پردازد. شیوه پژوهش

^۱ مراحل درمان شکستگی استخوان کدامند؛ /fa/news/42/ مراحل-درمان-شکستگی-کدامند/ <https://www.iranorthoped.com> (دسترسی در ۱۴۰۱/۹/۱۵).

^۲ بای، «تأملی در قاعده دیه شکستگی استخوان ها، ۳۱-۵۹؛ صادق پور، «قاعده دیه شکستگی: بازتاب فاصله ای میان مشهور و مأثور، ۷۳۳-۷۴۹؛ شاکر و بای، «مطالعه تطبیقی قاعده در رفتگی استخوان در فقه و حقوق موضوعه»، ۷-۳۶.

در این مقاله، تحلیلی، انتقادی و اجتهادی است. گردآوری محتوا نیز به روش کتابخانه‌ای و جستجو در منابع فقه است. از این رو در ادامه پس از تفسیر اصطلاحات مرتبط با موضوع و بیان آراء فقهی به مطالعه و ارزیابی روایات مربوط به دیه «نقل العظم» می‌پردازد و تلاش می‌کند با تحلیل روایات، قواعد مربوط به تعیین دیه جابجایی استخوان را استخراج کند.

۱. ادبیات پژوهش

صدمات گوناگون وارد بر جسم در ادبیات فقهی، دارای عناوین خاصی است. از این رو پیش از ورود به مباحث حکمی دیات، شناخت اصطلاحات متداول در این بخش و تفکیک آنها از یکدیگر ضروری است. به عنوان نمونه در بخش جراحات، عناوینی مانند حارصه، دامیه، باضعه، متلاحمه، سمحاق و... نیازمند به تعریف و بازشناسی هستند. ذیل صدمات وارد بر استخوان نیز اصطلاحات متعددی وجود دارد. فک (در رفتگی مفصل)،^۳ صدع (ترک برداشتن)،^۴ کسر (شکستن)،^۵ رض (کوبیدگی و خرد شدن)^۶ و نقل (جابجایی)^۷ عناوینی هستند که در بخش صدمات استخوانی قرار می‌گیرند. همچنین ممکن است شکستگی‌ها متعدد بوده و در چند موضع اتفاق بیفتد.^۸ از نظر پزشکی، هر گونه ایجاد گسستگی و تفرق در بافت استخوان که دارای بافتی منسجم و سخت است، شکستگی خوانده می‌شود. بنابر این شکستگی از نگاه پزشکی، دارای مفهوم عامی است که مواردی مانند ترک برداشتن، درهم فرو رفتن و فشرده شدن، کنده شدن استخوان و... همگی از مصادیق آن به شمار می‌شود.^۹

۱-۱. مفهوم «نقل العظم» در ادبیات روایی

«نقل» به معنای جابجایی و تغییر مکان است.^{۱۰} «نقل العظم» به معنای جابجایی استخوان است و در ترکیب «نقل العظم» تأسیس اصطلاح جدیدی مدنظر نیست.

جابجایی استخوان به دو شکل قابل تصور است:

^۳ جابجایی سطوح مفصلی و در رفتن مفصل از جای خود؛ ممکن است سطح تماس به طور کامل قطع شود (dislocation)، یا اینکه همچنان تماس برقرار باشد (subluxation).

^۴ شکستگی بر اثر ضربه جزئی که فاقد حرکت ضعیف است و تنها یک خط مویی ایجاد می‌شود (Hire Line Fracture).

^۵ از هم گسستگی استخوان که ممکن است به شکل‌های مختلف مانند عرضی یا مایل، باشد (Spiral Fracture-Transverse Fracture).

^۶ شکستگی که بر اثر آن استخوان به قطعات متعدد تقسیم شود (Comminuter Fracture).

^۷ جابجا شدن استخوان بر اثر شکستگی، به گونه‌ای که درمان متوقف بر برگرداندن استخوان به جای نخست خود باشد (Displacement).

^۸ زمانی که استخوان از چند نقطه مختلف شکسته شود (Segmental Fracture)، مثلاً استخوان بازو از هم از نزدیک آرنج و هم از نزدیک شانه دچار شکستگی شود.

^۹ اعلمی هرندی و دیگران، ۱۷-۲۰؛ احمدی و دیگران، ۱۶-۳۲.

^{۱۰} جوهری، صحاح اللغة، ۵/۱۸۳۳؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۵/۴۶۳.

شکل نخست: دررفتگی؛ در این شکل از آسیب، قسمت ابتدا یا انتهای استخوان که محل تلاقی آن با استخوان دیگر بوده و در اصطلاح «مفصل» نامیده می‌شود از محل خود خارج می‌شود. خروج استخوان از ناحیه مفصل در عرف «دررفتگی استخوان» نامیده می‌شود. در این قسم از جابجایی، شکستگی و تفرق در ساختار استخوان اتفاق نمی‌افتد.

دوم: جابجایی ناشی از شکستگی. توضیح اینکه شکستگی استخوان به شکل‌های مختلف اتفاق می‌افتد. گاهی شکستگی خفیف است، به گونه‌ای که تنها سبب ترک خوردگی خفیف یا نسبتاً شدید می‌شود، اما استخوان در امتداد خود باقی مانده و جابجایی اتفاق نمی‌افتد. در این حالت، درمان استخوان آسان‌تر بوده و برای ترمیم آن، کافی است که استخوان برای مدتی بدون حرکت و فشار باقی بماند و نیازی به جراحی یا جابجایی استخوان نیست. اما گاهی شکستگی شدید است و به گونه‌ای است که استخوان به حداقل به دو قطعه تبدیل شده و از جای خود حرکت می‌کند. در این صورت درمان و ترمیم استخوان نیازمند به جابجایی و قرار دادن استخوان‌ها در جای نخست خود است، تا به تدریج شکستگی استخوان التیام یافته و به اصطلاح جوش بخورد.^{۱۱}

مقصود از «نقل العظم» در روایات، شکل اخیر از شکستگی است. انتخاب معنای اخیر مستند به دلایل متعددی است:

یکم؛ عنوان «نقل العظم» در روایات و متون فقهی مقابل عنوان «فک العظم» قرار گرفته و از عبارات لغت دانان و برخی فقیهان استفاده می‌شود که فک العظم به معنای دررفتگی استخوان است،^{۱۲} از این رو تفسیر مناسب برای «نقل العظم» در میان دو معنای یاد شده، معنای اخیر است.

دوم؛ در فقرات متعدد - روایات مربوطه در ادامه بیان خواهد شد - دیه «نقل العظم» با دیه شکستگی و موضعه جمع شده و سپس بیان شده، حال آنکه دررفتگی مفصل ملازمه‌ای با دیه شکستگی ندارد، اما جابجایی استخوان به بیانی که گذشت ملازمه دائمی با شکستگی دارد و در بسیاری از موارد با موضعه نیز همراه است. به عنوان نمونه در حدیث صحیح ظریف درباره آسیب‌های شانه آمده است: «... فَإِنْ أُضْحِقَ فِدْيَتُهُ رُبْعَ دِيَةِ كَسْرِهِ خَمْسَةً وَعَشْرُونَ دِينَاراً فَإِنْ نُقِلَتْ مِنْهُ الْعِظَامُ فِدْيَتُهُ مِائَةُ دِينَارٍ وَ خَمْسَةٌ وَسَبْعُونَ دِينَاراً مِنْهَا مِائَةُ دِينَارٍ دِيَةِ كَسْرِهِ وَ خَمْسُونَ دِينَاراً لِنَقْلِ الْعِظَامِ وَ خَمْسَةٌ وَعَشْرُونَ دِينَاراً لِلْمَوْضَعَةِ»؛^{۱۳} اگر استخوان شانه جابجا شود، دیه آن یکصد و هفتاد و پنج دینار است که از این مقدار، یکصد دینار آن برای شکستگی استخوان، پنجاه دینار آن برای جابجایی استخوان و بیست و پنج دینار آن برای جنایت موضعه است.

^{۱۱} المن و دیگران، پرسش و پاسخ پزشکی، ۹۵-۹۹.

^{۱۲} ابن درید، جمهرة اللغة، ۱/۱۶۱؛ جزری، النهاية فی غریب الحدیث و الاثر، ۳/۴۶۶؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۴/۴۳۳؛ مدنی کاشانی، کتاب الديات،

۲۵۵؛ حکیم، منهاج الصالحین، ۳/۳۰۸-۳۱۰.

^{۱۳} طوسی، تهذیب الأحکام، ۱۰/۳۰۰.

سوم؛ دیه «نقل العظم» در روایت، بیشتر از دیه فک العظم تعیین شده است. تناسب میزان صدمه و دیه قرینه دیگری است بر اینکه مقصود از «نقل العظم» جابجایی ناشی از شکستگی است، نه دررفتگی مفصل. زیرا به روشنی پیداست که جابجایی استخوان ناشی از شکستگی، آسیب شدیدتری نسبت به جابجایی ناشی از دررفتگی مفصل استخوان به شمار می‌رود.

چهارم، تعبیر به «نقل العظم» در برخی فقرات، نسبت به عضوی مطرح شده که قابلیت در رفتن ندارد، مثل بازو، ساق پا (در ادامه متن فقرات مختلف حدیث مطرح خواهد شد). استعمال ساق و اراده‌ی مفصل زانو یا مفصل مچ پا، بعید و خلاف ظاهر است. به ویژه اینکه در خصوص زانو، دیه «نقل العظم» و «فک العظم» آن، جداگانه بیان شده است.^{۱۴} از این رو نمی‌توان مقصود از «نقل العظم» در ساق پا را نیز در این روایت را نیز دوباره به دررفتگی زانو، تفسیر کرد.

پنجم، تصریح بسیاری از فقیهان؛ بسیاری از فقیهان احکام جنایات وارده بر سر را به ترتیب از ضعیف به شدید بیان کرده اند. در عبارات ایشان، جنایت «منقله» پس از جنایت «هاشمه» که به معنای شکستن و خردشدن استخوان است و پیش از جنایت مأومه، ذکر شده است.^{۱۵}

صاحب جواهر در ذیل جنایت «منقله»، پس از بیانی نسبتاً مفصل پیرامون معنای این واژه و نقل عبارات دیگران، معنای منتخب در اینجا را برگزیده است. ایشان می‌نویسد: «منقله، همچنان که در عبارات جمعی از فقهاء آمده است، جنایتی است که به دلیل شکسته شدن استخوان، نیاز به جابجایی استخوان دارد. عبارات برخی دیگر از فقهاء نیز که گفته اند: "منقله جنایتی است که در آن استخوان شکسته و برای درمان، انسان نیاز به جابجایی استخوان از مکانش به جای دیگر دارد" به این معنا برمی‌گردد».^{۱۶} این قدامه از فقیهان عامه نیز درباره جنایت منقله آورده است: «الْمُنْقَلَةُ: زاندة علی الهاشمة، وهي التي تكسر العظام وتزيلها عن مواضعها، فيحتاج إلى نقل العظم ليلتئم. وفيها خمس عشرة من الإبل. بإجماع من أهل العلم»؛^{۱۷} منقله جنایتی شدیدتر از هاشمه است و عبارت است از اینکه استخوان‌ها بشکند و از جای خود حرکت کند در نتیجه برای التیام نیاز به این است که ابتدا استخوان را جابجا کنند و سر جای خود قرار دهند.

تهانوی درباره صدمه «منقله» می‌گوید: اگر ضربه به سر به مرتبه‌ای برسد که پوست و گوشت را شکافته و استخوان سر بشکند و علاوه بر شکستگی، استخوان جابجا شود، اما نه مقداری که به مغز برسد، به آن منقله گفته می‌شود.^{۱۸}

^{۱۴} طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۵/۱۰.

^{۱۵} کلینی، الکافی، ۳۹۵/۷؛ طوسی، النهایة فی مجرد الفقه و الفتوی، ۷۷۵؛ فاضل آبی، کشف الرموز، ۶۷۰/۲؛ محقق حلی، شرائع الاسلام، ۲۵۹/۴؛ علامه حلی، تبصرة المتعلمین، ۲۰۴؛ فاضل مقداد، التنقیح الرائع، ۵۰۴/۴ و دیگران.

^{۱۶} نجفی، جواهر الکلام، ۳۳۲/۴۳.

^{۱۷} ابن قدامه، المغنی، ۱۶۴/۱۲.

^{۱۸} تهانوی، کشف اصطلاحات الفنون، ۱۰۰۸/۱.

بر اساس آنچه گفته شد، روشن می‌شود که «نقل العظم» در امتداد صدمه شکستن استخوان است و در صورتی اتفاق می‌افتد که بر اثر شکستگی، استخوان‌ها از موضع خود جابجا شود، به گونه‌ای که درمان و التیام استخوان نیازمند این باشد که ابتدا استخوان‌های شکسته را سر جای نخست خود برگردانند.

بنابر این، سخن برخی نویسندگان که «نقل العظم» را به معنای دررفتگی مفصل استخوان دانسته‌اند، نادرست است.^{۱۹} این سوء برداشت از روایات، در برخی آثار پژوهشی دیگر نیز دیده می‌شود. مانند اینکه درباره «دررفتگی» مهره‌های ستون فقرات حکم به پنجاه دینار شده و مستند به روایاتی شده که در آن دیه «نقل العظم»، نصف دیه «کسر العظم» دانسته شده است.^{۲۰}

۲. دیه جابجایی استخوان در قوانین موضوعه

قانون مجازات اسلامی در قواعد عمومی دیه اعضاء از ماده ۵۶۸ تا ماده ۵۷۴ به دیه انواع آسیب‌های وارده به استخوان پرداخته است. در ماده ۵۶۹ دیه انواع آسیب‌های استخوان اعم از شکستن، خردشدن، ترک برداشتن و نیز موضعه و نافذه اشاره شده است. با این حال اشاره‌ای به جابجایی استخوان نشده است.

در ماده ۵۷۱ قانون مذکور نیز دیه دررفتگی به شکل ضابطه کلی بیان شده است. آنچه در اینجا در این ماده اشاره شده نیز مطابق قاعده جابجایی استخوان نیست.

در مبحث دوازدهم از فصل سوم (دیه مقدر اعضاء) در ماده ۶۵۴ به طور خاص به دیه موضعه، ترک خوردن و دررفتگی دنده‌ها پرداخته و میزان دیه دررفتن دنده‌های محیط به قلب هفت و نیم هزارم و سایر دنده‌ها پنج هزارم دیه کامل تعیین شده است. همچنین در ماده ۶۵۷ دیه موضعه، ترک خوردن و دررفتگی استخوان‌های ترقوه بیان شده است. بر اساس ماده مذکور دیه دررفتگی استخوان ترقوه بیست هزارم دیه کامل تعیین شده است.

مقادیر تعیین شده در دو ماده اخیر، مربوط به صدمه جابجایی استخوان است، اما در این ماده با عنوان دررفتگی آمده که است که مورد انتقاد است. بررسی و نقد مواد یاد شده در انتهای مقاله مطرح خواهد شد.

۳. دیه جابجایی استخوان در فقه

در رابطه با در رابطه با ملاک تعیین دیه در جابجایی استخوان، دو بیان مختلف در متون فقهی مشاهده می‌شود: ۱- تعیین میزان دیه به تناسب دیه جابجایی استخوان سر. ۲- نصف دیه شکستگی آن استخوان. برخی نویسندگان این اختلاف بیان در شیوه

^{۱۹} شاکر و بای، «مطالعه تطبیقی قاعده دررفتگی استخوان در فقه و حقوق موضوعه»، ۱۲.

^{۲۰} شاکر و صدیق آخا، «تأملی در دیه صدمات وارده بر ستون فقرات»، ۲۶۰.

محاسبه را حاکی از تفاوت دیدگاه‌ها دانسته و اظهار داشته‌اند در رابطه با دیه «نقل العظم» دو نظریه فقهی وجود دارد^{۲۱}. اما به نظر می‌رسد این برداشت نادرست است و میزان دیه «نقل العظم» در هر دو بیان، یکسان است، هر چند در شیوه محاسبه‌ی دیه، تفاوت دیده می‌شود.

۱/۳. دیدگاه نخست: تعیین دیه به تناسب دیه جابجایی استخوان سر

جمعی از فقیهان متقدم معتقدند که دیه جابجایی استخوان‌ها باید به تناسب دیه جابجایی استخوان سر محاسبه شود. بنابر این با توجه به اینکه دیه جنایت ناقله سر (جابجایی استخوان سر) پانزده درصد دیه کامل است، دیه جابجایی در سایر موارد، پانزده درصد دیه آن عضو تعیین می‌شود. به عنوان نمونه دیه آرنج، نصف دیه کامل یعنی ۵۰۰ دینار است. بنابر این دیه جابه جایی آرنج ۱۵ درصد دیه آن یعنی ۷۵ دینار خواهد بود.

شیخ طوسی در این باره می‌گوید: «فی نقل عظام الأعضاء لفسادها، مثل ما فی نقل عظام الرأس بحساب دية العضو. و كذلك فی غيرها من الجراحات»^{۲۲}. نظیر این عبارت در کتب برخی دیگر از فقیهان نیز به چشم می‌خورد.^{۲۳}

همچنان که پیداست دیه تعیین شده در عبارت شیخ طوسی و سایر متون فقهی - بجز کتاب المراسم - مطلق نیست و مقید به قید «لفسادها» است. در کتب فقهی - چه کتب فقهی مذکور و چه در سایر کتب فقهی - تفسیر و توضیحی پیرامون این عبارت یافت نشد. در تفسیر این عبارت چند احتمال است:

احتمال یکم. مقصود از این عبارت، همان صدمه جابجایی شایع در استخوان است. با این توضیح که «فساد» نقطه مقابل «صلاح» است.^{۲۴} راغب اصفهانی، فساد را به «خروج شیء از اعتدال» معنا کرده است.^{۲۵} طریحی واژه «صلاح» در آیه «لئن آتینا صالحاً لنكوننَّ من الشاکرین»^{۲۶} را به معنای فرزند سالم و خالی از عیب و نقص دانسته است.^{۲۷} بنابر این منظور از عبارت یاد شده جابجا کردن استخوانی است که منشأ آن خروج استخوان از محل طبیعی خود (فساد) باشد، به عبارت دیگر «نقل العظام» در راستای درمان فساد است. «فساد» در اینجا به معنای خروج استخوان از محل طبیعی خود است و «نقل العظام» به معنای جابجا کردن استخوان است.

^{۲۱} شاکر و بای، «مطالعه تطبیقی قاعده در رفتگی استخوان در فقه و حقوق موضوعه»، ۱۲-۱۴.

^{۲۲} طوسی، النهایة فی مجرد الفقه و الفتوی، ۷۷۷.

^{۲۳} شیخ مفید، المقنعة، ۷۶۸؛ سلال، المراسم العلویة و الأحکام النبویة، ۲۴۸؛ حلی، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ۴۱۱/۳؛ حلی، نکت النهایة، ۴۵۶/۳.

^{۲۴} فراهیدی، کتاب العین، ۲۳۱/۷؛ ازهری، تهذیب اللغة، ۳۵۷/۱۲؛ ابن عباد، المحیط فی اللغة، ۲۸۸/۸؛ جوهری، صحاح اللغة، ۵۱۹/۲.

^{۲۵} راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۶۳۶/۱.

^{۲۶} اعراف، ۱۸۹.

^{۲۷} طریحی، مجمع البحرین، ۳۸۶/۲.

بر اساس این احتمال، منظور از عبارت «فی نقل عظام الاعضاء لفسادها...» این است که هر گاه ایراد صدمه به عضوی سبب جابجایی استخوان شود، به گونه‌ای که درمان و اصلاح آن نیازمند به جابجا کردن و جا انداختن استخوان داشته باشد، دیه آن به تناسب دیه جابجایی استخوان سر (پانزده درصد) تعیین می‌شود.

احتمال دوم. مقصود از قید «لفسادها» جابجایی استخوانی است که معلول فساد استخوان باشد، نه معلول مستقیم ضربه و جنایت. بنابر این منظور از جابجایی استخوان، در اینجا جابجایی است که منشأ آن فساد استخوان باشد. به بیان دیگر «نقل عظام» در اینجا اثر مستقیم ایراد ضربه بر مجنی علیه نیست، اثر با واسطه آن است، به این شکل که ایراد جنایت سبب فساد استخوان شده و این فساد استخوان موجب جابجایی آن شده است.

بنابر این تفسیر، «نقل عظام» به معنای جابجایی که اثر مستقیم اثر جانی باشد، نیست. زیرا ظاهر تعلیل «لفسادها» حاکی از این است که «نقل عظام» به طور مستقیم مسبب از فساد عظام است، نه مسبب از ایراد ضربه جانی.

از میان قدماء، سلار دیلمی تنها فقیهی است که قید «لفسادها» را ذکر نکرده و به صورت مطلق دیه جابجایی استخوان‌های سایر اعضا را مانند دیه جابجایی استخوان‌های سر دانسته است.^{۲۸}

۱/۳ تحلیل و نقد معیار نخست

طرفداران معیار نخست، دلیلی بر مدعای خویش اقامه نکرده‌اند. ممکن است دلیل ایشان، روایات دیه شجاج (دیه جراحات سر و صورت) بوده است. به عنوان نمونه در صحیح‌ه حلبی آمده است:

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: فِي الْمَوْضِحَةِ خَمْسٌ مِنَ الْإِبِلِ وَفِي السَّمْحَاقِ أَرْبَعٌ مِنَ الْإِبِلِ وَ الْبَاضِعَةِ ثَلَاثٌ مِنَ الْإِبِلِ وَ الْمَأْمُومَةِ ثَلَاثٌ وَ ثَلَاثُونَ مِنَ الْإِبِلِ وَ الْجَانِفَةِ ثَلَاثٌ وَ ثَلَاثُونَ مِنَ الْإِبِلِ وَ الْمُتَنَقِّلَةِ خَمْسٌ عَشْرَةَ مِنَ الْإِبِلِ».^{۲۹}

مقصود از جنایات یاد شده در این روایت و روایات مشابه، جنایات وارده در سر و صورت است و قرائن متعددی این ادعا را تأیید می‌کند. نخست، برخی از عناوین ذکر شده در اینجا مانند «مأمومه» اختصاص به سر دارد.^{۳۰} دوم، مقادیر تعیین شده، متناسب با دیه جراحات سر و صورت هستند و در سایر اعضا به تناسب دیه آن عضو، دیه متغیر خواهد بود. به عنوان مثال میزان دیه موضعه یا باضعه اگر در یکی از دو دست یا یکی از انگشتان دست اتفاق بیفتد، متفاوت خواهد بود.^{۳۱} سوم، کلینی و سایر محدثین این

^{۲۸} سلار، المراسم العلویة و الأحكام النبویة، ۲۴۸.

^{۲۹} کلینی، کافی، ۳۲۶/۶.

^{۳۰} شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ۱۶۷/۴؛ سلار، المراسم/۲۴۷؛ حلبی، الکافی فی الفقه، ۴۰۰؛ حلبی، السرائر الحاوی لتحریر الفتوی، ۴۰۷/۳.

^{۳۱} طوسی، تهذیب الأحكام، ۲۹۷/۱۰-۳۰۷.

روایت را در ضمن جنایات شجاج (جراحات سر و صورت) آورده اند و فهم عموم فقیهان نیز اختصاص موارد یاد شده به جنایات سر است.^{۳۲}

بنابر این استدلال به این روایت، مبتنی بر الغای خصوصیت از مورد روایت یعنی شجاج (جنایات سر و صورت) و تعمیم آن به جابجایی استخوان‌های سایر اعضا است. اما این استدلال نادرست است. زیرا الغای خصوصیت در جایی اتفاق می‌افتد که احتمال اختصاص حکم به مورد مذکور در روایت منتفی باشد.^{۳۳} اما در اینجا احتمال خصوصیت مورد مذکور در روایت یعنی سر و صورت منتفی نیست. سر در میان اجزای بدن، یکی از مهم‌ترین اجزاء شمرده می‌شود و ممکن است احکام یاد شده، بخاطر اهمیت ویژه سر و صورت، اختصاص به آن داشته باشد. همچنان که دیه شکستگی استخوان‌های بدن - در فرض عدم بهبودی - در بیشتر اعضای بدن، یک پنجم دیه آن عضو یا نزدیک به این مقدار تعیین شده است.^{۳۴} اما دیه شکستگی ستون فقرات، معادل دیه کامل نفس تعیین شده است.^{۳۵}

علاوه بر اینکه - با فرض مغایرت میان این معیار و معیار دوم - این روایت با روایات مورد استناد معیار دوم - مانند روایت یونس - که در آن به صراحت بیان شده که دیه جابجایی استخوان، نصف دیه شکستگی آن است، تنافی دارد. با وجود روایت یونس و سایر روایات خاصه، الغای خصوصیت از روایت حلبی نادرست است. روایات مورد اشاره در ادامه به تفصیل مطرح خواهد شد.

در عین حال به نظر نگارنده، این شیوه محاسبه دیه با معیاری که در ادامه به عنوان معیار دوم مطرح خواهد شد، هر دو به یک میزان از دیه برمی‌گردد. توضیح اینکه در روایت حلبی میزان دیه منقله یکصد و پنجاه دینار تعیین شده است، یعنی دیه شکستگی سر (هاشمه) به علاوه نصف آن. از سوی دیگر بر اساس دیدگاه دوم، دیه نقل العظم، نصف دیه شکستگی آن عضو است که به دیه شکستگی آن عضو افزوده می‌شود. بنابر این هرگاه شکستگی سبب نقل العظم شود، دیه مجموع شکستگی و نقل العظم یک و نیم برابر دیه شکستگی آن عضو است. مثلاً دیه دست، پانصد دینار است. دیه شکستگی آن یکصد دینار است و دیه نقل العظم آن، پنجاه دینار است. پس در شکستگی استخوان دست که سبب جابجایی استخوان آن شود، در مجموع یکصد و پنجاه دینار که یک و نیم برابر دیه شکستگی آن است، ثابت می‌شود. دیه نقل العظم واقع در سر نیز به همین شکل تعیین شده است، یعنی دیه منقله، یکصد و پنجاه دینار تعیین شده است. با این تفاوت که در خصوص سر، دیه نقل العظم و شکستگی (هاشمه) با هم جمع شده و یکجا بیان شده است. اما در سایر اعضا، دیه نقل العظم جدا از دیه شکستگی عضو بیان شده که در نهایت به دیه شکستگی آن عضو افزوده می‌شود.

۳/۲. دیدگاه دوم: نصف دیه شکستگی استخوان‌ها

^{۳۲} کافی، ۳۲۶/۶؛ روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، ۴۷۰/۱۰؛ مفاتیح الشرائع، ۱۵۳/۲؛ مرآة العقول، ۱۱۶/۲۴ و دیگران.

^{۳۳} لجنة الفقه المعاصر، الفائق فی الاصول/۱۸۱.

^{۳۴} شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ۸۴/۴-۸۵-۸۹.

^{۳۵} کلینی، کافی، ۳۱۱/۷؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ۲۶۰/۱۰.

جمعی دیگر از فقیهان معتقدند که میزان دیه جابجایی به شکل کلی و قاعده‌مند در کلیه استخوان‌ها - بجز موارد خاصی که میزان دیگری برای آن تعیین شده است، مثل استخوان سر و صورت یا دنده‌ها - عبارت از نصف دیه‌ی شکستگی همان استخوان است.^{۳۶}

حال اگر قاعده شکستگی اعضاء را بپذیریم، میزان دیه جابجایی نیز از این قاعده تبعیت خواهد کرد. بر اساس قاعده شکستگی اعضاء، شکستگی استخوان در صورت عدم بهبودی موجب یک پنجم دیه آن عضو (معادل ۲۰ درصد) و در صورت بهبودی کامل موجب چهار پنجم از یک پنجم دیه آن عضو (معادل ۱۶ درصد) خواهد بود. بنابر این دیه جابجایی استخوان در فرض بهبودی، معادل هشت درصد دیه آن عضو و در فرض عدم بهبودی، معادل ده درصد دیه آن عضو تعیین می‌گردد.

اما مطابق نظر مختار این پژوهش - همسو با برخی فقیهان - از آنجا که قاعده دیه شکستگی اعضاء پذیرفتنی نیست،^{۳۷} قهرا میزان دیه جابجایی در هر عضوی وابسته به میزان دیه شکستگی است که برای آن عضو مقدّر شده است. در مواردی که میزان دیه شکستگی تقدیر معینی ندارد، بایستی ارش تعیین شود.

۱/۲/۳. تحلیل و نقد معیار دوم

معیار دوم متکی به دو دلیل است:

أ. بیان قاعده کلی در صحیح‌ه یونس

در این روایت، معیار در محاسبه دیه «نقل العظم» به شکل یک قاعده کلی بیان شده است. متن کامل این حدیث با عنوان معروف «کتاب ظریف» با اسناد متعدد در کتب روایی نقل شده است. شیخ صدوق و شیخ طوسی این حدیث را به طور کامل در من لایحضره الفقیه و تهذیب الاحکام نقل کرده اند. کلینی نیز در کتاب کافی، بخش های مختلف این حدیث را به مناسبت موضوعات مختلف در باب دیات نقل کرده است. کتاب ظریف، مهم‌ترین و مفصل‌ترین روایت در باب دیات است. کلینی با چهار سند، شیخ صدوق با یک سند و شیخ طوسی با هفت سند این روایت را نقل کرده‌اند. برخی از اسناد یاد شده صحیح و برخی موثق است.^{۳۸} همچنین در مسائل دیات، به طور فراوان مورد استناد فقهاء قرار گرفته است. از این رو از جهت سند جای تردید و بحث نیست و بدون شک حدیث، معتبر است.

^{۳۶} حلی، الجامع للشرائع/۶۱۱؛ فاضل هندی، کشف اللثام، ۴۴۳/۱۱؛ موسوی خویی، مبانی تکملة المنهاج، ۴۰۴/۴۲؛ سبزواری، مهذب الأحکام، ۲۹/۲۵۰؛ تبریزی، تنقیح مبانی الأحکام (کتاب دیات)، ۲۳۴؛ روحانی، فقه الصادق، ۲۹۶/۲۶.

^{۳۷} موسوی خویی، مبانی تکملة المنهاج، ۴۰۰/۴۲.

^{۳۸} به عنوان نمونه: علی بن ابراهیم عن محمد بن عیسی عن یونس عن ابي الحسن الرضا علیه السلام؛ کلینی، کافی، ۳۲۴/۷.

علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن فضال عن ابي الحسن الرضا علیه السلام؛ کلینی، کافی، ۳۲۴/۷.

علی بن ابراهیم عن محمد بن عیسی عن یونس عن الرضا علیه السلام؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ۲۹۵/۱۰.

بخش‌هایی از این روایت نیز جداگانه در کتب روایی بیان شده است. به عنوان نمونه کلینی در کافی آورده است:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ قَالَ عَرَضْتُ الْكِتَابَ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ هُوَ صَحِيحٌ قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي دِيَةِ جِرَاحَاتِ الْأَعْضَاءِ كُلِّهَا فِي الرَّأْسِ وَالْوَجْهِ وَ سَائِرِ الْجَسَدِ ... فَإِنَّ دِيَةَ كُلِّ عَظْمٍ كُسِرَ مَعْلُومٌ دِيَّتُهُ وَ نَقْلُ عِظَامِهِ نِصْفُ دِيَةِ كُسْرِهِ.^{۳۹}

این حدیث مشتمل بر دو سند است:

سند نخست: علی بن ابراهیم عن محمد بن عیسی عن یونس عن ابی الحسن علیه السلام.

سند دوم: علی بن ابراهیم عن ابیه ابراهیم بن هاشم عن ابن فضال قال عرضت الكتاب علی ابی الحسن علیه السلام.

هر دو سند نیز معتبر و مشتمل بر راویان مشهور و ثقه است.

از جهت دلالتی، امام علیه السلام پس از تأیید مفاد کتاب ظریف که مشتمل بر احکام بیان شده توسط امیرالمؤمنین علیه السلام پیرامون جنایات اعضاست، به دیات برخی از جنایات پرداخته و فرمود: دیه جابجایی استخوان نصف دیه شکستگی آن استخوان است. سخن امام علیه السلام در اینجا مطلق است و اختصاص به عضو خاصی ندارد، بنابر این مفید یک قاعده کلی در رابطه با جابجایی استخوان‌هاست.

ب. الغای خصوصیت از موارد خاصه در روایت ظریف

علاوه بر آنچه به صورت کلی در روایت یونس بیان شد، در روایت معروف ظریف، میزان دیه «نقل العظام» در اعضای متعدد بدن بیان شده است. مقادیر یاد شده، همواره دارای نسبت هماهنگ با دیه شکستگی، یعنی نصف دیه شکستگی است. همچنین در برخی موارد - مثل ترقوه، بازو، ران پا، ساق - به این نکته تصریح شده است که این مقدار دیه، نصف دیه شکستگی آن است. با الغای خصوصیت از این موارد می‌توان از آن به یک قاعده کلی درباره این نوع جنایت دست یافت:

۱. استخوان ترقوه: «وَفِي التَّرْقُوتِ إِذَا انْكَسَرَتْ فَجُبِرَتْ عَلَى غَيْرِ عَثْمٍ وَلَا عَيْبٍ أَرْبَعُونَ دِينَارًا... فَإِنْ نُقِلَ مِنْهَا الْعِظَامُ فَلَدِيَّتُهَا نِصْفُ دِيَةِ كُسْرِهَا عِشْرُونَ دِينَارًا»؛^{۴۰} دیه ترقوه هرگاه شکسته شود و بدون عیب بهبودی یابد چهل دینار است... دیه جابجایی آن نصف دیه شکستگی آن، معادل بیست دینار است.

۲. استخوان شانه: «دِيَةُ الْمَنْكَبِ إِذَا كُسِرَ حُمُسُ دِيَةِ الْيَدِ مِائَةَ دِينَارٍ... إِنْ نُقِلَتْ مِنْهُ الْعِظَامُ فَلَدِيَّتُهُ... خَمْسُونَ دِينَارًا لِنَقْلِ الْعِظَامِ»؛^{۴۱} استخوان شانه اگر بشکند یک پنجم دیه دست، معادل یکصد دینار و دیه رفتگی آن پنجاه دینار است.

^{۳۹} کلینی، کافی، ۳۲۷/۷.

^{۴۰} طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۰/۱۰.

^{۴۱} طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۰/۱۰.

۳. دنده‌ها: «و فِي الْأَضْلَاعِ مِمَّا يَلِي الْعَصْدَيْنِ دِيَةٌ كُلُّ ضِلْعٍ عَشْرَةُ دِنَانِيرٍ إِذَا كُسِرَ... وَ دِيَةٌ نَقْلٍ عِظَامِهِ خَمْسَةٌ دِنَانِيرٌ»؛^{۴۲} ديه شکستگی هر یک از دنده های کنار بازوها ديه دینار... و ديه جابجایی استخوان آن، پنج دینار است.

۴. درفتگی بازو: وَ فِي الْعَصْدِ إِذَا كُسِرَتْ فَجَبِرَتْ عَلَى غَيْرِ عَثْمٍ وَ لَا عَيْبٍ فَلَدِيَّتُهَا خُمُسُ دِيَةِ الْيَدِ مِائَةٌ دِنَانِيرٌ... وَ دِيَةٌ نَقْلٍ عِظَامِهَا نِصْفُ دِيَةِ كَسْرِهَا خَمْسُونَ دِنَانِيرًا؛^{۴۳} اگر استخوان بازو بشکند و بهبودی کامل پیدا کند، ديه آن یکصد دینار است و ديه جابجایی آن پنجاه دینار است.

۵. جابجایی آرنج: «فِي الْمِرْفَقِ إِذَا كُسِرَ فَجَبِرَ عَلَى غَيْرِ عَثْمٍ وَ لَا عَيْبٍ فَلَدِيَّتُهُ مِائَةٌ دِنَانِيرٌ... وَ لِنَقْلِ الْعِظَامِ خَمْسُونَ دِنَانِيرًا»؛^{۴۴} ديه استخوان آرنج اگر بشکند و بهبودی کامل پیدا کند، یکصد دینار و ديه جابجایی آن پنجاه دینار است.

۶. جابجایی استخوان باسن: «فِي الْوَرِكِ إِذَا كُسِرَ فَجَبِرَ عَلَى غَيْرِ عَثْمٍ وَ لَا عَيْبٍ خُمُسُ دِيَةِ الرَّجْلَيْنِ مِائَتَا دِنَانِيرٌ... لِنَقْلِ عِظَامِهَا خَمْسُونَ دِنَانِيرًا؛^{۴۵} ديه شکستگی استخوان باسن هرگاه بهبودی یابد، دو یست دینار است و ديه جابجایی آن استخوان باسن نیز پنجاه دینار است.

در این روایت ديه شکستگی استخوان نشیمن گاه، معادل یک پنجم ديه عضو یعنی دو یست دینار تعیین شده است. از عبارت «خمس دية الرجلين مائتا دینار» روشن می شود که مقصود استخوان هر دو ران است.^{۴۶} همچنین ديه جابجایی پنجاه دینار تعیین شده است که یک چهارم ديه شکستگی است نه نصف آن. بنابر این - همچنان که جمعی از فقیهان تصریح کرده اند- در تعیین پنجاه دینار، جابجایی یکی از دو استخوان باسن مدنظر قرار گرفته است.^{۴۷}

۷. جابجایی استخوان ران: «فِي الْفَخْذِ إِذَا كُسِرَتْ فَجَبِرَتْ عَلَى غَيْرِ عَثْمٍ وَ لَا عَيْبٍ خُمُسُ دِيَةِ الرَّجْلَيْنِ مِائَتَا دِنَانِيرٌ... وَ دِيَةٌ نَقْلِ عِظَامِهَا نِصْفُ دِيَةِ كَسْرِهَا مِائَةٌ دِنَانِيرٌ»؛^{۴۸} اگر استخوان ران (هر دو پا) دچار شکستگی شود و سپس بهبودی کامل یابد، ديه آن یک پنجم ديه پا یعنی دو یست دینار است... و ديه جابجایی آن یکصد دینار است.

۸. جابجایی زانو: «فِي الرُّكْبَةِ إِذَا كُسِرَتْ فَجَبِرَتْ عَلَى غَيْرِ عَثْمٍ وَ لَا عَيْبٍ خُمُسُ دِيَةِ الرَّجْلَيْنِ مِائَتَا دِنَانِيرٌ... وَ دِيَةٌ نَقْلِ عِظَامِهَا مِائَةٌ دِنَانِيرٌ وَ خَمْسَةٌ وَ سَبْعُونَ دِنَانِيرًا مِنْهَا فِي دِيَةِ كَسْرِهَا مِائَةٌ دِنَانِيرٌ وَ فِي نَقْلِ عِظَامِهَا خَمْسُونَ دِنَانِيرًا؛^{۴۹} شکستگی

^{۴۲} طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۴/۱۰.

^{۴۳} طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۱/۱۰.

^{۴۴} طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۱/۱۰.

^{۴۵} طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۴/۱۰-۳۰۵.

^{۴۶} مجلسی، روضه المتقین، ۲۶۵/۱۰.

^{۴۷} تبریزی، تنقیح مبانی الأحکام- کتاب الدیات، ۲۲۸؛ موسوی خویی، مبانی تکملة المنهاج، ۴۲/۴۱۶؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ۳/۵۷۴ و دیگران.

^{۴۸} طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۵/۱۰.

^{۴۹} طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۳۰۵/۱۰.

استخوان زانو در فرضی که کاملاً بهبودی پیدا کند دویست دینار است... و جابجایی (یک) زانو موجب پنجاه دینار است. نظیر آنچه ذیل جابجایی استخوان باسن گفته شد در اینجا تکرار می شود، یعنی در ابتدا نظر به هر دو عضو بوده اما در برخی صدمات مثل نقل و نقب و فک، مقصود یکی از آن دو است.^{۵۰}

۹. جابجایی ساق: «و فِي السَّاقِ إِذَا كُسِرَتْ فَجُبِرَتْ عَلَى غَيْرِ عَثِمٍ وَلَا عَيْبٍ خُمُسُ دِيَّةِ الرَّجُلَيْنِ... وَ فِي نَقْلِ عِظَامِهَا رُبُعُ دِيَّةِ كَسْرِهَا خَمْسُونَ دِينَارًا»؛^{۵۱} شکستگی ساق پا در فرض بهبودی کامل، یک پنجم دیه یا یعنی دویست دینار است و جابجایی ساق پا، یک چهارم شکستگی آن یعنی پنجاه دینار است.

برخی از فقیهان مثل مجلسی اول و دوم، مقصود از نقل عظام را جابجایی استخوان یکی از دو پا دانسته اند، بنابر این در شکستن ساق یکی از دو پا، نصف این مقدار یعنی یکصد دینار ثابت است. در این صورت این فقره نیز موافق با قاعده ادعایی در باب جابجایی استخوان ها خواهد بود و تعیین پنجاه دینار برای جابجایی معادل نصف دیه شکستگی است.^{۵۲}

۱۰. جابجایی استخوان کف پا: «و فِي الْقَدَمِ إِذَا كُسِرَتْ فَجُبِرَتْ عَلَى غَيْرِ عَثِمٍ وَلَا عَيْبٍ خُمُسُ دِيَّةِ الرَّجُلِ مِائَتًا دِينَارًا... وَ فِي نَقْلِ عِظَامِهَا مِائَةُ دِينَارٍ نِصْفُ دِيَّةِ كَسْرِهَا»؛^{۵۳} شکستگی (هر دو قدم) در فرض بهبودی کامل، یک پنجم دیه یا یعنی دویست دینار است... دیه جابجایی استخوان «، نصف آن یعنی یکصد دینار است.

۱۱. جابجایی بند آخر انگشت شست: «دِيَّةُ قَصَبَةِ الْإِبْهَامِ الَّتِي فِي الْكَفِّ تُجَبَّرُ عَلَى غَيْرِ عَثِمٍ خُمُسُ دِيَّةِ الْإِبْهَامِ ثَلَاثَةٌ وَ ثَلَاثُونَ دِينَارًا وَ ثُلُثُ دِينَارٍ إِذَا اسْتَوَى جَبْرُهَا وَ ثَبَّتْ... وَ دِيَّةُ نَقْلِ عِظَامِهَا سِتَّةَ عَشَرَ دِينَارًا وَ ثُلُثًا دِينَارًا»؛^{۵۴} دیه شکستگی بند انتهایی انگشت شست (متصل به کف)، در فرض بهبودی کامل سی و سه دینار و یک سوم دینار است و دیه جابجایی استخوان آن شانزده دینار و دوسوم دینار است.

۱۲. جابجایی بند آخر انگشتان غیر از شست: وَ دِيَّةُ كَسْرِ كُلِّ مَفْصِلٍ مِنَ الْأَصَابِعِ الْأَرْبَعِ الَّتِي تَلِي الْكَفَّ سِتَّةَ عَشَرَ دِينَارًا وَ ثُلُثًا دِينَارًا... فِي نَقْلِ عِظَامِهَا ثَمَانِيَةَ دَنَانِيرٍ وَ ثُلُثُ دِينَارٍ؛^{۵۵} دیه شکستگی بند متصل به کف در هر یک از انگشتان غیر از شست، شانزده دینار و دو سوم دینار است و دیه جابجایی آن هشت دینار و یک سوم دینار است.

^{۵۰} مجلسی، مرآة العقول، ۱۴۸/۲۴.

^{۵۱} طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۵/۱۰.

^{۵۲} مجلسی، مرآة العقول، ۱۴۸/۲۴.

^{۵۳} کلینی، کافی، ۳۴۰/۷.

^{۵۴} طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۲/۱۰.

^{۵۵} طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۳۰۳/۱۰.

۱۳. جابجایی بند ناخنی شست پا: «دِيَةُ الْمَفْصِلِ الْأَعْلَى مِنَ الْإِبْهَامِ وَهُوَ الثَّانِي الَّذِي فِيهِ الظُّفْرُ سِتَّةَ عَشَرَ دِينَارًا وَ ثَلَاثًا دِينَارًا... وَ فِي نَقْلِ عِظَامِهِ ثَمَانِيَةَ دَنَانِيرٍ وَ ثَلَاثُ دِينَارٍ»^{۵۶}؛ ديه شکستگی بند بالای انگشت شست پا که دارای ناخن است، شانزده دینار و دوسوم دینار است... و ديه جابجایی آن هشت دینار و یک سوم دینار است.

جدول ديه در بندهای موافق قاعده

دیه آسیب دیده	دیه شکستگی	دیه جابجایی استخوان	دیه مجموع شکستگی و جابجایی
۱	چهل دینار	بیست دینار	شصت دینار
۲	یکصد دینار	پنجاه دینار	یکصد و پنجاه دینار
۳	ده دینار	پنج دینار	پانزده دینار
۴	یکصد دینار	پنجاه دینار	یکصد و پنجاه دینار
۵	یکصد دینار	پنجاه دینار	یکصد و پنجاه دینار
۶	یکصد دینار	پنجاه دینار	یکصد و پنجاه دینار
۷	دویست دینار	یکصد دینار	سیصد دینار
۸	یکصد دینار	پنجاه دینار	یکصد و پنجاه دینار
۹	یکصد دینار	پنجاه دینار	یکصد و پنجاه دینار
۱۰	دویست دینار	یکصد دینار	سیصد دینار
۱۱	سی و سه دینار و یک سوم	شانزده دینار و دوسوم	پنجاه دینار

۱۲	بند آخر انگشتان غیر از شست	شانزده دینار و دو سوم	هشت دینار و یک سوم	بیست و پنج دینار
۱۳	بند ناخنی انگشت شست پا	شانزده دینار و دو سوم	هشت دینار و یک سوم	بیست و پنج دینار

۵. استثناءات قاعده جابجایی استخوان

با وجود کبرای کلی که درباره دیه جابجایی در روایت ظریف بیان شده و نیز فروعات متعددی که جداگانه نیز مطرح شده است، در مواردی نیز دیه تعیین شده برای جابجایی مخالف با قاعده مذکور است. این موارد را - اگر موجب نقض قاعده ندانیم - باید جزء استثناءات قاعده به شمار آورد.

از میان موارد یاد شده، دو مورد - استخوان ساعد و استخوان کف دست - قابل توجه است:

- استخوان ساعد: دیه شکستگی آن سیصد و سی و سه دینار و یک سوم دینار است و دیه جابجایی آن یکصد دینار است.^{۵۷}

این فقره قابل توجه است. زیرا هر چند میزان تعیین شده در ابتدای روایت، دارای ابهام است، اما در ادامه جزئیات دیه به تفصیل منعکس شده است. بر اساس آنچه در ادامه روایت بیان شده است، ساعد متشکل از دو استخوان (زند اعلی و زند اسفل) است. شکستن هر دو موجب یکصد دینار، شکستن هر یک از زند اعلی و اسفل، موجب پنجاه دینار و جابجایی استخوان هر یک از آن دو، موجب بیست و پنجاه دینار است.^{۵۸}

- استخوان کف دست: دیه شکستگی آن چهل دینار و دیه جابجایی آن بیست دینار و نصف دینار است.^{۵۹}

این فقره نیز قابل توجه است. زیرا علاوه بر اینکه میزان تعیین شده، تفاوت بسیار اندکی با قاعده مورد نظر دارد،^{۶۰} در نقل شیخ طوسی تعارض وجود دارد و ایشان در جای دیگر نقل می کنند که دیه جابجایی استخوان کف دست، یکصد و هفتاد و هشت

^{۵۷} طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۱/۱۰؛ کلینی، کافی، ۳۳۵/۷.

^{۵۸} کلینی، کافی، ۳۳۵/۷.

^{۵۹} طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۳/۱۰.

^{۶۰} همچنین با لحاظ سایر فقرات مشابه - این احتمال نیز بعید نیست که واژه نصف اندکی جابجا شده، یعنی دیه نقل عظامه عشرون دینارا نصفه (نصف دیه کسره) یا عبارتی مشابه این بوده است.

دینار است که نصف دیه شکستن آن است.^{۶۱} همچنین بر اساس نقل کتاب کافی، دیه شکستگی یکصد دینار و دیه جابجایی آن پنجاه دینار بیان شده است که مطابق قاعده محسوب می شود.^{۶۲}

مواردی که استثناء از قاعده بوده و قابل توجیه نیست، بجز یک مورد، اختصاص به انگشتان دارد:

۱. دنده های محیط به قلب: دیه شکستگی آن موجب بیست و پنج دینار و دیه جابجایی آن معادل هفت و نیم دینار است.^{۶۳}
۲. بند ناخنی انگشت شست دست: دیه شکستگی آن شانزده دینار و دوسوم دینار است و دیه جابجایی آن پنج دینار است.^{۶۴}
۳. بند وسط سایر انگشتان دست: دیه شکستگی آن یازده دینار و یک سوم دینار است و دیه جابجایی آن پنج دینار و یک سوم دینار است.^{۶۵}
۴. بند ناخنی سایر انگشتان پا: دیه شکستگی آن پنج دینار و چهارپنجم دینار است و دیه جابجایی آن دو دینار و یک پنجم دینار است.^{۶۶}
۵. بند شست متصل به کف پا: دیه شکستگی آن شصت و شش دینار و دو سوم دینار است و دیه جابجایی آن بیست و شش دینار و دوسوم دینار است.^{۶۷}
۶. بند وسط سایر انگشتان پا: یازده دینار و یک سوم دینار و دیه جابجایی آن پنج دینار و یک سوم دینار است.^{۶۸}

همچنان که مشاهده می شود موارد استثناء (بجز دنده های محاذی قلب) نیز اختصاص به انگشتان دست و پا دارد. در هر صورت با توجه به اینکه دیه جابجایی به شکل عام و قاعده مند بیان شده و در موارد متعدد نیز در روایت بر اساس آن حکم شده

^{۶۱} طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۲/۱۰.

^{۶۲} طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۳/۱۰.

^{۶۳} طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۴/۱۰.

^{۶۴} طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۲/۱۰.

^{۶۵} طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۳/۱۰.

^{۶۶} طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۷/۱۰.

^{۶۷} طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۶/۱۰.

^{۶۸} طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۷/۱۰.

است، به نظر می‌رسد موارد خلاف قاعده، ضرری به کلیت قاعده وارد نمی‌سازد و این موارد را باید استثنایی و مقید قاعده به شمار آورد.

نتیجه سخن در دیه جابجایی استخوان این شد که مقصود از جابجایی استخوان، آن نوع از شکستگی استخوان است که در آن جابجایی استخوان اتفاق بیفتد و برای ترمیم و درمان، نیاز به جابجایی و جانداختن استخوان باشد. بر اساس روایات دیه جابجایی استخوان - بجز موارد استثناء که به آنها اشاره شد- به شکل قاعده‌مند نصف دیه شکستگی است که این مقدار دیه به دیه شکستگی افزوده می‌شود.

دلیل اینکه میزان دیه به طور دقیق ۳۰ درصد دیه کامل عضو تعیین نشده است - همچنان که در ذیل دیدگاه دوم اشاره شد- این است که دیه شکستگی عضو همیشه ۲۰ درصد دیه کامل عضو نیست. به عنوان نمونه دیه شکستگی سر و ستون فقرات یکصد دینار است. در سایر اعضا نیز در موارد متعدد دیه شکستگی در فرض بهبودی دیه عضو ۱۶ درصد دیه کامل عضو است و ۲۰ درصد در فرض عدم بهبودی. همچنین مطابق روایت ظریف دیه شکستگی در برخی اعضا در فرض بهبودی کامل ۲۰ درصد دیه آن عضو است.^{۶۹}

۶. دیه جابجایی مهره‌های ستون فقرات

بر اساس تفسیری که در جابجایی استخوان بیان شد، مقصود از جابجایی ستون فقرات، آن نوع شکستگی ستون فقرات است که در آن استخوان‌ها بر اثر شکستگی جابجا شده‌اند به گونه‌ای که برای ترمیم و جوش خوردن استخوان لازم باشد ابتدا استخوان‌ها در جای اول خود قرار بگیرد.

بر اساس نصوص معتبر و فتاویٰ فقیهان شکستگی ستون فقرات در فرض بهبودی کامل یکصد دینار و در فرض عدم بهبودی هزار دینار است.^{۷۰} بنابر این جابجایی ستون فقرات در اینجا در دو صورت کلی قابل تصور است:

یکم. جابجایی ستون فقرات در اثر شکستگی، با فرض اینکه پس از جافتادن و درمان، بهبودی کامل حاصل شود. در این صورت دیه جابجایی پنجاه دینار است که این مقدار دیه، با قطع نظر از دیه شکستگی و سایر آسیب‌های وارد شده مثل دیه موضعه است. بنابر این اگر در جابجایی ستون فقرات هیچ آسیب دیگری - مثل موضعه - وارد نشده باشد، مجموعاً حکم به یکصد و پنجاه دینار می‌شود که یکصد دینار آن به ازاء اصل شکستگی و پنجاه دینار آن بابت جابجایی استخوان است.

دوم. جابجایی ستون فقرات در اثر شکستگی، با فرض اینکه شکستگی بهبودی پیدا نکند. در این صورت به نظر می‌رسد حکم به هزار دینار می‌شود. یعنی دیه بیشتری نسبت به دیه شکستگی تعلق نمی‌گیرد. زیرا مطابق ادله دیه شکستگی ستون فقرات

^{۶۹} ابن بابویه قمی، من لایحضره الفقیه، ۴/۸۳-۸۴-۸۸-۸۹-۹۰.

^{۷۰} کلینی، کافی، ۷/۳۱۱-۳۱۲-۳۳۸؛ شیخ مفید، المقنعه، ۷۶۷؛ طوسی، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، ۷۷۶؛ حلی، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ۳/۴۱۰؛ حلی، الکافی فی الفقه، ۳۹۹ و دیگران.

در فرض عدم بهبودی معادل دیه کامل یک انسان است. این مقدار حداکثر دیه‌ای است که در مقابل آسیب یک عضو تعلق می‌گیرد. از سوی دیگر جابجایی استخوان در حقیقت همان شکستگی استخوان از نوع شدید است. به طوری که چه بسا عدم بهبودی شکستگی به جهت جابجایی استخوان باشد، یعنی اگر شکستگی مهره کمر بدون جابجایی استخوان اتفاق می‌افتاد یا پس از جابجایی دوباره در جای خود قرار می‌گرفت، بهبودی حاصل می‌شد. بنابر این حکم به هزار دینار در ازاء شکستگی شدیدی است که در نهایت به بهبودی کامل ختم نشده است. به طور قهری احتمال عدم بهبودی کامل در شکستگی شدیدی که در آن استخوان‌ها جابجا شده و از مسیر طبیعی خود منحرف شود بسیار بیشتر از شکستگی است که در آن استخوان‌ها همچنان در امتداد هم قرار دارد و جابجایی اتفاق نیفتاده است.

از این رو جابجایی ستون فقرات با جابجایی استخوان سایر اعضا که دیه شکستگی آن یک پنجم دیه آن عضو بود و مجموع دیه شکستگی و جابجایی با هم نیز از دیه کامل کمتر بود، متفاوت است. زیرا در آنجا در بیشتر موارد شکستگی عضو، موجب ثبوت یک پنجم دیه‌ی آن عضو بود، حال اگر شکستگی شدیدتر بوده و موجب جابجایی استخوان می‌شد، مجال تشدید میزان دیه وجود داشت و میزان دیه از ۲۰ درصد دیه‌ی عضو به ۳۰ درصد افزایش پیدا می‌کرد. اما در اینجا فرض این است که برای شکستگی ستون فقرات در فرض عدم بهبودی، حداکثر دیه یک عضو، یعنی دیه کامل لحاظ شده است.

نتیجه اینکه شکستگی ستون فقرات اگر به قدری شدید باشد که موجب جابجایی استخوان شود، در صورت بهبودی کامل موجب یکصد و پنجاه دینار و اگر بهبودی حاصل نشود موجب دیه کامل است.

۷. ارزیابی و نقد قانون مجازات اسلامی

با وجود اینکه قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در قواعد عمومی دیه اعضا از ماده ۵۶۸ تا ماده ۵۷۴ به دیه انواع آسیب‌های وارد به استخوان پرداخته است، اما هیچ اشاره‌ای به این نوع صدمه - که در روایات پرتکرار نیز هست - نشده است. به ویژه آنکه در ماده ۵۶۹ انواع آسیب‌های استخوان اعم از شکستن، خرد شدن، ترک برداشتن و نیز موضعه و نافذ بیان شده و میزان دیه هر یک به شکل قاعده‌مند تعیین شده است. با این حال هیچ اشاره‌ای به جابجایی استخوان نشده است.

ماده ۶۵۴ درباره دیه دنده‌ها چنین مقرر داشته است: «... دیه ترک خوردن هر یک از دنده‌های محیط به قلب، یک‌هشتادم دیه کامل، و دیه دررفتگی آن، هفت و نیم هزارم دیه کامل است. دیه ترک خوردن هر یک از دنده‌های دیگر هفت هزارم دیه کامل و دیه دررفتگی آنها پنج هزارم دیه کامل است.»

روایات پیرامون «نقل العظام» اعضای مختلف بدن گذشت و بیان شد که در روایت ظریف درباره دنده‌ها چنین آمده است: «و فِي الْأَضْلَاعِ فِيمَا خَالَطَ الْقَلْبَ مِنَ الْأَضْلَاعِ... دِيَةٌ نَقْلٍ عِظَامِهِ سَبْعَةُ دَنَانِيرٍ وَ نِصْفٌ... وَ فِي الْأَضْلَاعِ مِمَّا يَلِي الْعِضْدَيْنِ... دِيَةٌ نَقْلٍ عِظَامِهِ خَمْسَةُ دَنَانِيرٍ»؛^{۷۱} دیه جابجایی هر یک از دنده‌های محیط به قلب، هفت و نیم دینار است... و دیه جابجایی هر یک از

^{۷۱} طوسی، تهذیب الأحكام ۳۰۴/۱۰.

دندهای کنار بازوها، پنج دینار است. قانون گذار از عبارت «نقل عظامه» در رفتگی را برداشت کرده است، در حالی که معادل در رفتگی در متون روایی «فک العظم» است، نه «نقل العظم» و میزان دیه این دو نیز متفاوت از یکدیگر است.

مشابه این ایراد درباره ماده ۶۵۷ نیز قابل تکرار است. در این ماده نیز دیه در رفتگی استخوان ترقوه، بیست هزارم دیه کامل تعیین شده است. در حالی که مطابق روایت «و فِي التَّرْقُوتِ إِذَا انْكَسَرَتْ... فَإِنْ نُقِلَ مِنْهَا الْعِظَامُ فَدِيَّتُهَا نِصْفُ دِيَةِ كَسْرِهَا عَشْرُونَ دِينَارًا»؛^{۷۲} دیه جابجایی استخوان ترقوه نصف دیه شکستگی آن معادل بیست دینار است.

بر فرض که از نظر قانون گذار عبارت «نقل العظم» به معنای در رفتگی است، ایراد دیگری وارد می شود که چرا در موارد پرشمار دیگر در روایت ظریف که عبارت «نقل العظم» به کار رفته، آن را به معنای در رفتگی معنا نکرده است؟ به عنوان نمونه در روایات همین تعبیر «نقل عظامه» یا نزدیک به آن، درباره استخوان شانه، بازو، آرنج، نشیمن گاه، ران، زانو، ساق، کف پا، ساعد، کف دست و... آمده است، در حالی که در مواد قانونی تنها دیه در رفتگی دنده ها و ترقوه بیان شده است.

همچنین اگر از نظر قانون گذار «نقل العظم» به معنای در رفتگی مفصل استخوان است، پس چرا در ماده ۵۷۱ آنچه فقیهان امامی درباره دیه «فک العظم» به شکل قاعده مند ذکر کرده اند^{۷۳} را در اینجا به در رفتگی ترجمه کرده و ذیل دیه در رفتگی آورده است؟ حال آنکه از متون روایی و فقهی به وضوح پیداست که «فک العظم» غیر از «نقل العظم» است و دیه هر یک نیز متفاوت از دیه دیگری است.

گزیده سخن اینکه مواد قانون مجازات اسلامی در تفسیر متون روایی و فقهی پیرامون دیه در رفتگی و جابجایی استخوان، دچار آشفتگی است. از سویی نسبت به دیه جابجایی استخوان، خلأ قانونی دیده می شود و با وجود فقرات روایی پرشمار پیرامون این صدمه، قاعده یا ماده ای در قانون مجازات اسلامی تاسیس نشده است. از سوی دیگر در برخی موارد میان دیه در رفتگی و جابجایی استخوان، اشتباه و خلط مشاهده می شود.

پیشنهاد می شود در بخش «قواعد عمومی دیه اعضاء» دیه جابجایی استخوان ها نیز در یک ماده مجزا به شکل ضابطه مند بیان شود و در تبصره به موارد استثناء اشاره شود.

همچنین با توجه به اینکه دیه صدمات ستون فقرات متفاوت از سایر استخوان ها بوده و احکام آن به طور جداگانه در بند ۶۴۷ آمده است، پیشنهاد می شود بند دیگری نیز در این ماده پیرامون دیه جابجایی استخوان ستون فقرات درج گردد.

نتیجه گیری

^{۷۲} طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۰/۱۰.

^{۷۳} شیخ مفید، المقنعة، ۷۶۷؛ حلبی، الکافی فی الفقه، ۳۹۹؛ سلا، المراسم العلوئیة، ۲۴۸؛ طوسی، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، ۷۷۷؛ حلبی، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ۴۱۱/۳؛ فاضل آبی، کشف الرموز فی شرح مختصر النافع، ۶۶۲/۲؛ حلبی، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ۲۵۴/۴.

مقصود از «نقل العظم» در ادبیات روایی، جابجایی استخوان بر اثر شکستگی است، به گونه‌ای که ترمیم و التیام صحیح استخوان نیازمند جابجایی و قرار دادن دو سر استخوان‌ها در جای نخست است. این عنوان نباید با عنوان «فک العظم» که به معنای دررفتگی مفصل استخوان است، در هم آمیخته و خلط شود.

میزان دیه جابجایی استخوان -جز در موارد استثناء- به شکل قاعده‌مند نصف دیه شکستگی آن عضو است. این مقدار به دیه شکستگی استخوان افزوده می‌شود.

اقوال مطرح شده از سوی فقیهان درباره دیه جابجایی استخوان، هرچند در شیوه محاسبه متفاوت هستند، اما در نتیجه و میزان دیه تفاوتی وجود ندارد.

شکستگی ستون فقرات اگر به قدری شدید باشد که موجب جابجایی استخوان شود، در صورت بهبودی کامل موجب یکصد و پنجاه دینار و اگر بهبودی حاصل نشود موجب دیه کامل است.

مواد قانون مجازات اسلامی در تفسیر متون روایی و فقهی پیرامون دیه دررفتگی و جابجایی استخوان، دچار آشفتگی است. برای اصلاح و ارتقاء قانون، پیشنهاد می‌شود در بخش «قواعد عمومی دیه اعضاء» دیه جابجایی استخوان‌ها نیز در یک ماده مجزا به شکل ضابطه‌مند بیان شود و در تبصره به موارد استثناء اشاره شود.

همچنین با توجه به اینکه دیه صدمات ستون فقرات متفاوت از سایر استخوان‌ها بوده و احکام آن به طور جداگانه در بند ۶۴۷ آمده است، پیشنهاد می‌شود بند دیگری نیز در این ماده پیرامون دیه جابجایی استخوان ستون فقرات درج گردد. به عنوان نمونه «در فرضی که شکستگی ستون فقرات قابل درمان است، اگر شکستگی سبب جابجایی استخوان شده و نیاز به قرار دادن استخوان در جای نخست باشد، پانزده درصد دیه کامل ثابت می‌شود».

منابع

قرآن کریم

۱. ابن درید، محمدبن حسن. جمهره اللغه. بیروت: دار العلم. چاپ اول، ۱۹۸۸م.
۲. ابن عباد، صاحب. المحيط فی اللغه. بیروت: عالم الكتاب. چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۳. ابن فارس، احمد. معجم مقاییس اللغه. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۴. ابن قدامه، عبدالله بن احمد. المغنی. ریاض: دار عالم الكتاب. چاپ سوم، ۱۴۱۷ق.
۵. ازهری، محمدبن احمد. تهذیب اللغه. تهذیب اللغه. قم: دار احیاء التراث العربی. چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۶. احمدی، کوروش و ابراهیمی، محسن و طاهری‌نیا، علی. مبانی آسیب‌های استخوان و مفاصل در بخش اورژانس. تهران: اندیشه رفیع، چاپ اول، ۱۳۹۲ش.
۷. اعلمی‌هرندی، بهادر و مهرپور، سعیدرضا و آیتی، محمد و محلیشا کاظمی، سیدامیر. ارتوپدی و شکستگی‌ها. تهران: اندیشه رفیع، چاپ چهارم، ۱۴۰۱ش.

۸. تبریزی، جواد. تنقیح مبانی الاحکام- کتاب الديات- قم: دار الصدیقه الشهیده. چاپ اول، ۱۴۲۸ق.
۹. تهانوی، محمدبن علی، کشف اصطلاحات الفنون. تحقیق علی دحروج، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون، چاپ اول، ۱۹۹۶م.
۱۰. جزری، مبارک بن محمدبن اثیر. النهایه فی غریب الحدیث و الاثر. قم: قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان. چاپ اول، بی تا.
۱۱. جوهری، اسماعیل بن حماد. صحاح اللغه. بیروت: دار العلم. چاپ سوم، ۱۴۱۰ق.
۱۲. حکیم، سیدمحمدسعید. منهاج الصالحین. بیروت: دار الصفوة. چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۱۳. حلّی، ابوالصلاح تقی الدین. الکافی فی الفقه. اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام. چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
۱۴. حلّی، جعفر بن حسن. نکت النهایه. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۲.
۱۵. حلّی، محقق حلّی، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ج ۲، ۱۴۰۸ق.
۱۶. حلّی، محمدبن ادريس. السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۱۷. حلّی، یحیی بن سعید. الجامع للشرائع. قم: مؤسسه سید الشهداء. چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دار العلم. چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۱۹. روحانی، سید صادق. فقه الصادق علیه السلام. قم: دار الكتاب. چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۲۰. سبزواری، سید عبدالاعلی. مهذب الاحکام. قم، مؤسسه المنار. چاپ چهارم، ۱۴۱۳ق.
۲۱. سلار، حمزه بن عبدالعزيز. المراسم العلویه. قم: منشورات الحرمین. چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۲۲. سیوری، مقداد ابن عبدالله. التنقیح الرائع لمختصر الشرائع. قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۲۳. شاکر، محمدحسین و حسینعلی بای. «مطالعه تطبیقی قاعده در رفتگی استخوان در فقه و حقوق موضوعه»، فقه پزشکی. سال هشتم، شماره ۲۸-۲۹، پاییز ۱۳۹۵، ۷ تا ۳۱.
۲۴. شاکر، محمدحسین و حمید صدیق آخا. «تأملی در دیه صدمات وارده بر ستون فقرات»، پژوهش حقوق کیفری. سال ششم، شماره ۲۳، تابستان ۱۳۹۷، ۲۴۹ تا ۲۸۰.
۲۵. شیخ صدوق، محمدبن علی بن بابویه. من لایحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
۲۶. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری. المقنعه. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید. چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۲۷. طریحی، فخرالدین. مجمع البحرین. تهران: کتابفروشی مرتضوی. چاپ سوم، ۱۴۱۶ق.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن. النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی. بیروت: دارالکتب العربی. چاپ دوم، ۱۴۰۰ق.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن. تهذیب الاحکام. تهران: دارالکتب الاسلامیه. چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۳۰. طوسی، محمدبن حسن. تهذیب الاحکام. تهران: دارالکتب الاسلامیه. چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.

۳۱. علامه حلی، حسن بن یوسف. تبصره المعلمین فی احکام الدین. تهران: موسسه چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. چاپ دوم، ۱۴۱۱ ق.
۳۲. فاضل آبی، حسن بن ابی طالب. کشف الرموز. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ دوم، ۱۴۰۷ ق.
۳۳. فاضل هندی، محمدبن حسن. کشف اللثام عن قواعد الاحکام. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
۳۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین. قم: نشر هجرت. چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
۳۵. فیض کاشانی، محمد محسن. مفاتیح الشرائع. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، چاپ اول، بی تا.
۳۶. کلینی، محمدبن یعقوب. الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه. چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۳۷. لجنه الفقه المعاصر. الفائق فی الاصول. قم: مرکز مدیریت حوزه های علمیه، چاپ پنجم، ۱۴۴۱.
۳۸. مجلسی، محمدباقر. مرآة العقول. تهران: دار الکتب الاسلامیه. چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۳۹. مجلسی، محمدتقی. روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه. قم: موسسه فرهنگی کوشانپور. چاپ دوم، ۱۴۱۶ ق.
۴۰. مدنی کاشانی، رضا. کتاب الدیات. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.
۴۱. المن، الکساندر و دیگران. پرسش و پاسخ پزشکی. ترجمه م کاشیگر. تهران: انتشارات جانزاده. چاپ دوم، ۱۳۶۷.
۴۲. موسوی خویی، سیدابوالقاسم. مبانی تکمله المنهاج. قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی. بی تا.
۴۳. مهرداد منصوری. آناتومی جامع ستون مهره. ایران ارتوپد؛
<https://www.iranorthoped.com/fa/news/192/%D8%A2%D9%86%D8%A7%D8%AA%D9%88%D9%85%D9%8A-%D8%AC%D8%A7%D9%85%D8%B9-%D8%B3%D8%AA%D9%88%D9%86-%D9%85%D9%87%D8%B1%D9%87>
در ۱۴۰۱/۹/۱۵
۴۴. نجفی، محمد حسن. جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی. ۱۴۰۴ ق.
۴۵. وحید خراسانی، حسین. منهاج الصالحین. چاپ پنجم. قم: مدرسه امام باقر علیه السلام. ۱۴۲۸ ق.